



international obligations of governments to prevent violence against women; obligation of means or obligation of result

Mozhgan Moshfeghi¹, Peyman Bolori^{2*}, Salman Valizadeh³

1 .PhD student, Department of Law, Zanzan Branch, Islamic Azad University, Zanzan, Iran

2 .Assistant Professor of Law Department, Zanzan Branch, Islamic Azad University, Zanzan, Iran.

3. Assistant Professor of Law Department, Zanzan Branch, Islamic Azad University, Zanzan, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 567-582

Article history:

Received: 1 Jul 2022

Edition: 10 Sep 2022

Accepted: 4 Dec 2022

Published online: 3 Feb 2023

Keywords:

Violence against women, obligation of means, obligation of result, women's rights, discrimination.

Corresponding Author:

Peyman Bolori

Address:

Iran, Zanzan, Islamic Azad University, Zanzan Branch, Department of Law.

Orchid Code:

0000-0003-4039-9098

Tel:

09121414431

Email:

bolori.p@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aim: Women should enjoy their human rights without discrimination based on gender and race, Therefore, in various international documents, governments are committed to such a responsibility to amend misogynist laws that deprive women of their basic and inherent rights by creating new laws to protect women. The purpose of the current research is to examine international obligations regarding the prohibition of violence against women; From the point of view of obligation of means or obligation of result.

Materials and Methods: This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

Findings: Many international commissions and institutions, as well as numerous international documents and conventions have been established in this field to protect women, all of which indicate that violence against women is a serious and global human rights problem.

Ethical Considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Conclusion: The obligations that governments have in the field of eradicating violence against women is an obligation by means; In this context, governments should take appropriate measures and solutions to have effective and beneficial effects on the status of women, and the output will show that violence and its causes have decreased.

Cite this article as:

Moshfeghi M, Bolori P, Valizadeh S. international obligations of governments to prevent violence against women; obligation of means or obligation of result. *Economic Jurisprudence Studies*. 2022.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره چهارم، شماره پیاپی ۵، سال ۱۴۰۱

تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در منع خشونت علیه زنان؛ تعهد به وسیله یا تعهد به نتیجه

مژگان مشفق^۱، پیمان بلوری^{۲*}، سلمان ولیزاده^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران

۲. استادیار گروه حقوق، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران (نویسنده مسئول).

۳. استادیار گروه حقوق، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: زنان باید بدون تبعیض از حیث جنسیت و نژاد از حقوق انسانی خود بهره‌مند شوند. بر این اساس، در اسناد بین‌المللی مختلف دولت‌ها متعهد به چنین مسئولیتی هستند تا با ایجاد قوانین جدید در حمایت از زنان، قوانین زن‌ستیزی را که باعث محرومیت زنان از حقوق اولیه و ذاتی‌شان است، اصلاح کنند. هدف از پژوهش حاضر بررسی تعهدات بین‌المللی درباره منع خشونت علیه زنان از منظر تعهد به وسیله یا تعهد به نتیجه است.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری و روش تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی است. روش جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و با مراجعه به اسناد، کتاب‌ها و مقالات صورت گرفته است.

یافته‌ها: کمیسیون‌ها و نهادهای بین‌المللی فراوان و همچنین اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی زیادی در این زمینه برای حمایت از زنان ایجاد شده است که همه بیانگر این مطلب هستند که خشونت در قالب یک معضل جدی و جهانی حقوق بشری، علیه زنان در حال انجام است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

نتیجه‌گیری: تعهداتی که دولت‌ها در زمینه محو خشونت علیه زنان به‌عهده دارند، تعهد به وسیله است. در این زمینه، دولت‌ها باید راه‌حل‌ها و اقدامات مناسبی را اتخاذ کنند تا بر وضعیت زنان تأثیرات مؤثر و مفید داشته باشند و خروجی آن نشان‌دهنده این امر باشد که خشونت و عوامل آن کاهش یافته‌اند.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۵۶۷-۵۸۲

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۰

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۶/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۱/۱۴

واژگان کلیدی:

خشونت علیه زنان، تعهد به وسیله، تعهد به نتیجه، حقوق زنان، تبعیض.

نویسنده مسئول:

پیمان بلوری

آدرس پستی:

ایران، زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زنجان، گروه حقوق.

تلفن:

۰۹۱۲۱۴۱۴۴۳۱

کد ارکید:

0000-0003-4039-9098

پست الکترونیک:

bolori.p@gmail.com

۱. مقدمه

تأمین حقوق مذکور در این میثاق هستند که به- معنای تعهد به نتیجه فوری است.

در ابتدا به نظر می‌رسد «تعهد به وسیله» برای سطحی فراتر از حداقل‌ها در بسیاری از حق‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قابل طرح باشد. طبعاً دولت‌ها برای تدارک چنین حق‌هایی به اقتضای بسترها و امکانات عمل خواهند کرد. برخلاف حق‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حق‌های مدنی و سیاسی بیشتر در معرض تضییع از سوی خود دولت‌ها و یا مداخله آن‌ها هستند. بنابر این قید «در حد امکانات موجود» که در حق‌های اقتصادی، اجتماعی معنادار است، در این نوع از حقوق کمتر مطرح است. بنابر همین مسئله مکلف دانستن دولت متعهد به صورت فوری (و نه مقید به شرایط و امکانات خاص) در حوزه حق‌های مدنی و سیاسی، عاقلانه‌تر به نظر می‌رسد. در صورتی که مکلف شمردن دولت‌ها حیطة حقوق اجتماعی و اقتصادی، بی‌توجه به ابزارهای در دست، تفکری غیر واقع‌گرایانه و غیر منطقی به نظر می‌رسد. شاید دقیق‌تر خواهد بود اگر ادعا شود تعهدات ناشی از حق بر حداقل‌های رفاهی تعهد به نتیجه فوری و تعهدات ناشی از سطحی بالاتر از حداقل‌ها، تعهدات به نتیجه رو به تزاید است که بالطبع این تعهدات به وسیله اتخاذ سیاست‌ها و به- کارگیری امکانات در دسترس ایفا خواهند شد.

باید توجه داشت که از نظر اخلاقی تمام اعمال و رفتارهای یک فرد محدود به ابزارها و شرایطی است که وی به اقتضای موقعیت خود دارد. می‌توان گفت هر عمل اخلاقی به توان و شرایط و امکانات فرد بستگی دارد. نمی‌توان از فردی توقع داشت عملکردی فراتر از حد توان و بضاعت خود داشته باشد. دولت‌ها

فضای حقوق بشر یکی از حوزه‌های بسیار گسترده و فنی در عالم حقوق محسوب می‌شود. در عرصه حقوق بشر به دلیل گستردگی مفاهیم و شاخه‌ها، طبقه‌بندی موضوعات وجود دارد. در این میان، حوزه حقوق زنان یکی از مقوله‌های بسیار با اهمیت محسوب می‌شود؛ زیرا حوزه‌های دیگری مانند حقوق کودکان و حقوق خانواده ارتباط مستقیم و تنگاتنگی با حقوق زنان دارد.

برخی نویسندگان حقوق بشر این تعهد را دارای اقسام متفاوتی دانسته‌اند و آن‌ها از آن‌ها از هم متمایز می‌دانند: «تعهد به وسیله» یا «تعهد به انجام» و «تعهد به نتیجه» که ممکن است فوری و یا رو به تزاید باشند. تعهد به وسیله بدین معناست که فرد متعهد با استفاده از امکانات و ابزارهای خود سعی در مهیا کردن موضوع تعهد به نفع متعهدله می‌کند. تعهد به نتیجه بدین معناست که متعهد، موظف است نتیجه موضوع تعهد را، فارغ از میزان تلاش و امکانات وی، به نفع متعهدله فراهم کند. این نوع از تعهد منجز و حتمی است؛ بنابراین معطوف و مقید به وسیله و یا امکانات خاصی نشده است. به نظر می‌رسد مفهوم تعهد به نتیجه رو به تزاید و تعهد به وسیله در برخی از اسناد بین‌المللی حقوق بشر انعکاس یافته است. برای نمونه دومین ماده از میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، اعضا را مکلف می‌داند که نهایت تلاش خود را به وسیله به کارگیری حداکثر منابع، در راستای فراهم کردن رو به افزایش حقوق تعریف شده در میثاق مذکور به کار ببرند. این در حالی است که در ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی اعضا بدون اینکه قید «امکانات موجود» برای ایشان وجود داشته باشد، متعهد به

فضیلت‌مدار، انجام تکلیف برای کمک به دیگران را بر خود واجب می‌داند. در عین حال، این فرد موظف نیست که با تلاش و به‌دست آوردن مال، دارایی لازم برای کمک به فقرا را به‌دست بیاورد. این در صورتی است که در نوع دوم تعهد، فرد مقروض، باید نهایت تلاش و پشتکار خود را به‌کار گیرد تا بتواند دین خود را ادا کند. گرچه به‌نظر می‌رسد این نوع از تقسیم‌بندی را نمی‌توان به حوزه تکالیفی که دولت‌ها در زمینه حقوق بشر دارند تعمیم داد. یعنی نمی‌توان ادعا کرد که تکالیف دولت‌ها در برابر حقوق اقتصادی و اجتماعی از نوع اول و تکالیف آن‌ها در برابر حق‌های مدنی و سیاسی از نوع دوم است؛ بلکه باید گفت همه تکالیف دولت‌ها، هم تکالیفی که لازمه حق‌های اقتصادی و اجتماعی شهروندان است و هم تکالیفی که لازمه حق‌های مدنی و سیاسی آنان است، از نوع دوم به‌شمار می‌روند. این امر بدان معناست که دولت‌ها وظیفه دارند نهایت کوشش خود را برای تأمین بسترها و لوازم لازم برای نیل شهروندان به حقوق خود در حوزه‌های مذکور به‌کار گیرند.

افزون بر این می‌توان توجیه دیگری در این زمینه مطرح کرد: تعهد به نتیجه در حق‌های مدنی و سیاسی به‌طور جدی مطرح می‌شود که تعهد دولت‌ها در قبال این دسته حق‌های منفی تعهدی عدمی و سلبی است؛ یعنی تعهد به مداخله نکردن. واضح است در بحث مداخله نکردن، بحث ناتوانی مطرح نخواهد بود. با وجود این اگر تعهد دولت‌ها در اقدامات حمایتی برای تضمین و حمایت از حیات و امنیت شخصی افراد را صرفاً از مقوله مداخله نکردن ندانیم، که حق‌ها هم چنین است، در این صورت توجیه فوق‌قادر به تبیین موجه ماهیت تعهد به نتیجه نخواهد بود و بنابراین باید دست به دامان همان توجیه اول

نیز از این قاعده مستثنی نیستند. با توجه به این موضوع، این پرسش مطرح می‌شود که آیا قائل شدن به وجود تمایز بین دو نوع از انواع تعهد، امری منطقی به‌شمار می‌رود؟ بدون شک معقول نیست که فرد را مکلف به سرانجام رساندن کاری بدانیم که عملاً توان و بضاعت انجام آن را ندارد. با در نظر گرفتن این مسئله، در واقع نمی‌توان تکلیفی به غیر از «تعهد به رفتار و وسیله» برای افراد تعریف کرد. این امر بدان معناست که دایره توانمندی‌های افراد، تأثیر مستقیمی بر میزان تعهدات آن‌ها دارد. به‌بیان فلسفی‌تر هر بایستن، مسبوق به توانستن است. در نبود توانستن، حکم اخلاقی به بایستن، موجه نخواهد بود. «قبح تکلیف مالا یطاق» از اصول اخلاقی مسلمی است که مورد پذیرش تمام نظام‌های اخلاقی عقل-مدار است و البته در تمدن اسلامی نیز ریشه عمیقی دارد. بر این اساس، پرسش این است که چگونه می‌توان مفهوم تعهد به نتیجه را در ظرف حقوق بشر تبیین کرد؟ برای تعیین مرز بین دو نوع از تعهد، می‌توان چنین بیان کرد: مکلف بودن به انجام یک عمل در صورت وجود توانمندی و مکلف بودن به تأمین ابزارها و سعی در فراهم کردن آن. نوع اول، تکلیف به به‌کار بستن فعل به شرط توانمندی است و نوع دوم، کوشش برای اکتساب توانمندی. این امر بدان معناست که در یک نوع از تعهد فرد اگر واجد امکانات باشد مکلف است و در نوع دیگر، فرد مکلف است که نهایت کوشش و اهتمام خود را در فراهم‌سازی امکانات لازم برای به‌ثمر رساندن تکلیف به‌کار بندد. برای نمونه، می‌توان میان یک تکلیف اخلاقی برای کمک به مستمندان و تکلیف به پس دادن قرض، تفاوت آشکاری مشاهده کرد. در مصداق اول، فرد به‌واسطه تفکر اخلاقی نوع‌دوستانه یا

نوزاد باشد، اجرای حد موقوف می‌ماند. در مواردی همچون تفاوت دیه زن و مرد به‌استناد مواد ۳۰۰ و ۲۰۷ و ۲۵۸ قانون مجازات اسلامی نیز صرف‌نظر از تفاوت حکم قصاص زن و مرد به‌استناد ماده ۲۰۹ اشکالات عمده‌ای که بر مبنای فقهی وضع برخی این مواد قانونی به چشم می‌خورد، از دیگر احکام ضرری علیه زنان است که موجبات بزه‌دیدگی در خانواده و آسیب‌پذیری بیشتر زنان و بروز خشونت خانگی را فراهم می‌آورد (خدابنده‌لو و همکاران، ۱۳۹۷، ۱۵۳-۱۶۲).

۲. ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نوشتن پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۳. مواد و روش‌ها

این تحقیق از نوع نظری و روش تحقیق به‌صورت توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات به-صورت کتاب‌خانه‌ای و با مراجعه به اسناد، کتاب‌ها و مقالات صورت گرفته است.

۴. یافته‌های تحقیق

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که کمیسیون‌ها و نهادهای بین‌المللی فراوان و نیز اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی زیادی در این زمینه برای حمایت از زنان ایجاد شده است که همه بیانگر این مطلب هستند که خشونت در قالب یک معضل

شد (قاری سید فاطمی، ۱۳۹۵، ۵۸-۵۵). در این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی سعی در بررسی تعهدات بین‌المللی درباره منع خشونت علیه زنان از منظر تعهد به وسیله یا تعهد به نتیجه بودن خواهد شد.

در بیان پیشینه پژوهش حاضر می‌توان به مقاله شیخ‌بهای و همکاران (۱۴۰۰) با عنوان «خشونت خانگی علیه زنان در پرتو نظام حقوق بشر بین‌المللی» اشاره کرد. از نظر نویسندگان این تحقیق، خشونت خانگی به‌صورت مستقیم با ممنوعیت تبعیض جنسیتی و حقوق بنیادین بشری در ارتباط است. حقوق بنیادین بشری در ادبیات حقوق بشر بین-المللی دارای وصف آمره هستند. به تعبیری، دولت‌ها مکلف هستند که با این پدیده مبارزه و اقدامات لازم برای پیش‌گیری از وقوع آن را انجام دهند و در صورت ارتکاب، از طرق قانونی به پی‌گیری و مجازات مرتکبان اقدام کنند. با در نظر گرفتن این مسئله، چنانچه دولت‌ها در اجرای تعهدات حقوقی خود قصور کنند، آثار شدیدی در فضای مسئولیت بین‌المللی برای آن‌ها ایجاد خواهد شد.

خدابنده‌لو و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی اسناد و قواعد نافی خشونت علیه زنان» چنین بیان می‌کنند که با در نظر گرفتن این امر که مقررات کیفری ناظر به حوزه زنان در موارد زیادی موجب تضرر این قشر می‌شود، این مبنا می‌تواند دستاویز خوبی برای نفی احکام کیفری ضرری علیه زنان باشد. برای نمونه به استناد مواد ۹۱ و ۹۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ با وجود اهمیت و ضرورت اجرای فوری حد در ایام بارداری و نفاس و شیردهی زن، اگر احتمال ایجاد ضرر برای حمل یا

جدی و جهانی حقوق بشری، علیه زنان در حال انجام است.

۵. بحث

۵-۱. تعهدات بین‌المللی در مورد منع خشونت

علیه زنان

در باره موضوع خشونت علیه زنان هیچ سند الزام‌آور بین‌المللی وجود ندارد. کنوانسیون محو همه اشکال تبعیض علیه زنان ۱۹۷۹ تبعیض علیه زنان را ممنوع دانسته است و در زمینه خشونت علیه زنان مواد خاصی که به صراحت آن را بررسی کرده باشد وجود ندارد. این غفلت تا حدودی در سال ۱۹۹۲ توسط کمیته رفع تبعیض علیه زنان رفع شد و توصیه‌نامه عمومی شماره ۱۹ مقوله خشونت علیه زنان را تبیین کرد. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۳ اعلامیه حذف خشونت علیه زنان را تصویب کرد؛ ولی این اعلامیه ضمانت اجرایی ندارد. مشکل عمده و اساسی در چارچوب قواعد حقوق بین‌الملل عرفی این است که رفتار و اقدام دولت‌ها به صورت مستمر و دائم نشانگر ناتوانی و ناموفق بودن آن‌ها در قسمت پیشگیری از وقوع خشونت است (Manjoo and Jones, 2018: 31-32).

در گذشته تعداد اندکی از کشورها خشونت علیه زنان را ممنوع قلمداد می‌کردند که امروز این تعداد افزایش یافته است. اگر قوانین وضع شده در قسمت منع خشونت علیه زنان توسط دولت‌ها یک خواست قلمداد شود و در چارچوب تعهد و مسئولیت بین‌المللی باشد، شاهد شکل‌گیری عنصر معنوی هستیم. به خصوص زمانی که در قوانین داخلی به

قوانین بین‌المللی استناد شده باشد. با این همه، با ارزیابی صورت گرفته درباره وقوع و افزایش قابل توجه خشونت علیه زنان چه باید کرد؟ آیا این نشان‌دهنده این امر است که هیچ عرفی وجود ندارد یا اینکه قوانین ملی قابلیت و کارکردی در این حوزه ندارند؟ در شرایط فعلی باید به این نتیجه رسید که شواهد اندکی در قسمت وجود عنصر مادی در رفتار دولت وجود دارد که مبین وجود و شکل‌گیری عرف بین‌المللی در قسمت خشونت علیه زنان است. اخیراً در پرتو رشد و توسعه صورت گرفته در حوزه هنجارسازی می‌توان به وجود مسئولیت بین‌المللی عرفی دولت‌ها در قسمت حمایت از قربانیان خشونت استناد کرد (Johnson and others, 2017: 17-21).

در قالب قاعده‌ای کلی، مسئولیت دولت ناشی از فعل یا ترک فعلی است که توسط بازیگران دولتی و یا بازیگرانی است که اعمال آن‌ها قابلیت انتساب به دولت را دارد. درباره این قاعده استثنایی وجود دارد؛ اینکه دولت را می‌توان درباره اقدام نکردن و عمل با در نظر داشتن اصل احتیاط مقتضی در قسمت پیش‌گیری و یا واکنش مناسب درباره بعضی از فعل‌ها و ترک فعل‌های صورت گرفته توسط بازیگران غیر دولتی موجد مسئولیت دانست. در قرن هفدهم، هوگو گروسیوس اصولی را مطرح کرد که می‌توان طلوع مفهوم معاصر مسئولیت بین‌المللی دولت قلمداد کرد. با استناد به اصل مدارا، اغماض و چشم‌پوشی می‌توان حاکم و یا اجتماعی را مسئول قرار داد. زمانی که در قسمت وقوع و رخداد جرم توسط تابع، علم و آگاهی وجود دارد و درباره پیش‌گیری و عدم وقوع آن عملاً می‌توان کاری انجام داد و این کار نیز باید صورت گیرد. در اوائل قرن بیستم، اوپنهایم، تئوری مسئولیت

- این امر لازم و ضروری دانست که عبارت‌اند از:
۱. آیا دولت عضو تمامی اسناد بین‌المللی حقوق بشری از جمله کنوانسیون محو همه اشکال تبعیض علیه زنان را تصویب کرده است؟
 ۲. آیا در چارچوب قانون اساسی برابری زنان و یا منع خشونت علیه زنان تضمین شده است؟
 ۳. آیا در چارچوب قوانین ملی، قانون و یا ضمانت اجرای اداری مشخص و معینی برای رسیدگی و جبران خسارت مناسب برای قربانیان خشونت وجود دارد؟
 ۴. آیا پالیسی‌های اجرایی و یا برنامه‌های اقدام عمل معینی برای رسیدگی به مقوله خشونت علیه زنان وجود دارند؟
 ۵. آیا نهاد کیفری در زمینه خشونت علیه زنان حساسیت‌های لازم را دارا هستند؟ چه تعداد از قضایای خشونت علیه زنان توسط پلیس مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته است؟ پلیس با قربانیان خشونت چه برخوردی داشته است؟ چه تعداد از قضایای خشونت مورد رسیدگی قضایی قرار گرفته‌اند؟ احکام و آرای صادره از چه نوع بوده است؟
 ۶. آیا متخصصان بهداشت و سلامت که در روند رسیدگی همکاری داشته‌اند در قبال قضایای خشونت‌آمیز حساسیت‌های لازم را داشته‌اند؟
 ۷. آیا زنان قربانی خشونت از خدمات و حمایت‌های لازم از جمله خانه امن، مشاوره‌های حقوقی و روانی، همکاری‌های تخصصی و توان‌بخشی ارائه شده توسط دولت یا نهادهای غیر دولتی برخوردار بوده‌اند؟

نیابتی دولت را مطرح کرد که بر اساس این تئوری دولت مسئول اعمال افراد خصوصی در قلمرو اش است و در قسمت براءت، مردود دانستن و محکوم کردن کوتاهی در این اعمال و رفتار است. در طی ۲۵ سال گذشته ما شاهد توسعه قواعد حقوقی مربوط به مسئولیت به صورت عام اصل احتیاط مقتضی به صورت خاص درباره تعهدات دولت‌ها در حمایت از افراد در قسمت نقض حقوق بشر و آزادی‌های اساسی آنان در محدوده قلمرو و صلاحیت‌شان بوده‌ایم. رویکرد اتخاذ شده جدید در زمینه مسئولیت دولت در پیش‌نویس مواد راجع به مسئولیت دولت‌ها برای افعال متخلفانه بین‌المللی سال ۲۰۰۱ تهیه شده توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل ذکر شده است. بر اساس مواد ۲ و ۱۲ مسئولیت دولت ناشی از فعل یا ترک فعلی است که قابلیت انتساب در چارچوب حقوق بین‌الملل را دارد و نقض تعهد بین‌المللی شمرده می‌شود (Marie, 2019: 82-84).

استاندارد احتیاط مقتضی ابزاری قلمداد می‌شود که در دست‌ان صاحبان حق قرار دارد تا دولت‌ها را در قبال اعمال و رفتارشان مسئول و پاسخ‌گو بدانند و این امر زمانی اتفاق خواهد افتاد که چارچوب نظارتی مشخص و معینی برای این امر وجود داشته باشد که چه اقداماتی مؤثر و مبین ایفای تعهدات بین‌المللی است. مأموریت گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد درباره خشونت علیه زنان در حدود دو دهه به نظارت و بررسی مسئولیت دولت به صورت عام و به اصل احتیاط مقتضی به صورت خاص اختصاص داده شده بود. برای ارزیابی مسئولیت دولت در قسمت اقدام باید در نظر داشت اصل احتیاط مقتضی برای رسیدگی به مقوله خشونت علیه زنان، اولین گزارشگر ویژه در سال ۱۹۹۹ سوالاتی را برای مشخص کردن

دوگانه خواهد بود (Richards and Haglund, 2015: 77).

گزارشگر ویژه منع خشونت بر این نکته تأکید داشت که اصل عدم تبعیض از دولت‌ها می‌خواهد تا در قسمت پیش‌گیری، تحقیق، مجازات و راه‌حل‌های موجود حقوقی و غیر حقوقی درباره خشونت علیه زنان از همان میزان تعهد استفاده شود که در مواجهه با دیگر اشکال و انواع خشونت به کار می‌رود. وی این نکته را یادآور شد که اصل احتیاط مقتضی تا اکنون فقط عاملی واکنشی در صورت وقوع خشونت مورد استفاده قرار می‌گرفت و در این چارچوب فقط مختص به اصلاحات قانونی، دسترسی به عدالت و استفاده از خدمات بوده است. در زمینه تعهدات کلی دولت‌ها برای پیش‌گیری از جمله وظیفه تغییر و دگرگونی ساختارهای جوامع پدرسالار و دیگر ارزش‌هایی که سبب تقویت و تداوم خشونت علیه زنان می‌شود کارهای نسبتاً اندکی صورت گرفته است (Human Rights Documents, 2006: 15).

گزارشگر ویژه پیشین در گزارش خود به پاسخگو نبودن دولت در نقص‌های موجود در رابطه با ساختارهای اجتماعی از جمله تداوم تبعیض مبتنی بر جنسیت اشاره کرد که فضای لازم برای وقوع اقدامات خشونت‌آمیز را مهیا و میسر می‌کند. این تم یا موضوع به صورت جامع‌تر در گزارش سال ۲۰۱۱ مطرح شد و انواع تبعیض و عواملی که منجر به بروز خشونت علیه زنان می‌شوند مورد بحث و بررسی قرار گرفت (Krook, 2020: 75-77). در این گزارش گزارشگر ویژه بر این نکته تأکید داشت که شکی نیست که قوانین، پالیسی‌ها و منابع موجود در امر مبارزه مؤثر با پدیده خشونت علیه زنان و دختران

۸. آیا اقدامات مناسب آموزشی و استفاده از رسانه‌های جمعی برای بالا بردن سطح آگاهی درباره اینکه خشونت علیه زنان ناقض حقوق بشری است و عرف و رویه‌هایی که منجر به اعمال تبعیض در قبال زنان باید تغییر و اصلاح شوند صورت گرفته است؟

۹. آیا آمار و ارقام به‌گونه‌ای گردآوری می‌شود که مبین این امر باشد که خشونت و مشکلات ناشی از خشونت علیه زنان نامرئی و پنهان تلقی نمی‌شوند؟ (Rehof, 2021: 16-17).

دامنه مسئولیت دولت برای اقدام و احتیاط مقتضی در گزارش سال ۲۰۰۶ دومین گزارشگر ویژه منع خشونت مورد بحث و بررسی بیشتر قرار گرفت (Human Rights Documents, 2006: 19). یکی از مشکلات عمده‌ای که توسط گزارشگر مورد توجه قرار گرفت این بود که استاندارد احتیاط مقتضی صرفاً متمرکز بر خشونت علیه زنان در قالب عملی جدا و منحصر است و به رابطه میان خشونت و نقض دیگر حق‌های بشری از جمله اصل برابری جنسیتی و عدم تبعیض را مورد توجه قرار نداده است. وی در گزارش خویش به این موضوع اشاره کرده است که برای رسیدگی به قضایای خشونت علیه زنان لازم و ضروری است که از دید و وضعیت دوگانه موجود درباره خشونت به صورت امری خصوصی و عمومی فاصله گرفت. وی در ادامه بر این نکته تأکید دارد که قائل به تفکیک شدن و شناسایی بعضی از موارد خشونت به صورت جزئی از محدوده خصوصی باعث عادی جلوه دادن آثار و علائم آن خواهد شد و مداخله دولت‌ها در قبال موارد خشونت صورت گرفته در حوزه عمومی و خصوصی متفاوت و

یا نرم، تفسیر و یا طرزالعملی مشخصی دربارهٔ مسئولیت دولت در احتیاط مقتضی وجود دارد که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: شناسایی مشکل، بررسی مجدد پالیسی‌های موجود برای مشخص کردن نواحی مشکل‌ساز، بازنگری و تعدیل قوانین و پالیسی‌ها به‌دلیل پیش‌گیری از وقوع آسیب یا حمایت از یک حق، مجازات و یا اصلاح مجرمان و مرتکبان، فراهم کردن زمینهٔ جبران خسارت و دیگر ابزارهای جبران‌کننده، ارائهٔ گزارش به نهادهای معتبر بین‌المللی در قسمت اقدامات صورت‌گرفته در چارچوب تعهدات، نظارت گاه و بی‌گاه از قضایا و شاخصه‌های موجود به‌دلیل بازنگری‌های بیشتر پالیسی‌ها. توجه به اصل جبران خسارت و غرامت در این روند مورد غفلت قرار گرفته است و این امر در گزارش‌های گزارشگران ویژهٔ منع خشونت علیه زنان نیز بازتاب یافته است (Malekian and Nordlöf, 2014: 84-85).

مادهٔ ۲ کنوانسیون محو همهٔ اشکال تبعیض علیه زنان ۱۹۷۹ به مسئولیت دولت‌ها در قسمت اتخاذ تدابیر مناسب و بدون درنگ سیاست رفع تبعیض علیه زنان را تعقیب کنند؛ درحالی‌که هیچ مادهٔ مشخصی دربارهٔ مسئولیت دولت در اقدام و یا مراقبت مقتضی در زمینهٔ محو خشونت علیه زنان وجود ندارد. کمیتهٔ رفع تبعیض علیه زنان به‌دلیل بر طرف کردن این عیب و نقیصه طرزالعمل‌های تفسیری خاصی را در قالب دو توصیه‌نامهٔ عمومی منتشر کرد. توصیه‌نامهٔ عمومی شمارهٔ ۱۲ سال ۱۹۸۹ تعهد دولت‌ها را دربارهٔ حمایت زنان از خشونت در خانواده، محل کار و دیگر مکان‌های اجتماعی در قالب مواد ۲، ۵، ۱۲ و ۱۵ کنوانسیون بررسی کرد. در توصیه‌نامهٔ عمومی شمارهٔ ۱۹ سال ۱۹۹۲؛ کمیتهٔ رفع تبعیض علیه زنان اظهار

مؤثر و حیاتی هستند؛ اما باید با تمام توان، جدیت و ارادهٔ جدید با ساختارها و چالش‌های سیستماتیک مبارزه کرد که دلایل و پیامدهای همین خشونت هستند.

در همین حال برای پیش‌گیری، مبارزه و محو خشونت علیه زنان و دختران، این‌گونه خشونت‌ها باید عنصری تلقی شوند که با پشتیبانی، نقش و تعامل عوامل پیچیده‌ای مانند افراد، خانواده، جامعه، اقتصاد و عوامل اجتماعی زنان را در سراسر چرخهٔ حیات و زندگی تحت تأثیر قرار خواهند داد. این مسئله هم نیازمند به‌رسمیت شناختن مسئولیت دولت برای اقدام در پرتو اصل احتیاط مقتضی دربارهٔ مسئولیت نظام‌مند مانند مسئولیت دولت به ایجاد سیستم مؤثر و خوب همراه با ساختارها است که به‌صورت ریشه‌ای و بنیادین به عوامل و پیامدهای خشونت علیه زنان رسیدگی می‌کند و هم مسئولیت در قبال فرد مانند مسئولیت دولت برای فراهم کردن اقدامات مؤثر از جمله پیش‌گیری، حمایت، مجازات و جبران خسارت را دارد. در مطالعه و پژوهش صورت‌گرفته در سال ۲۰۰۶، دبیر کل سازمان ملل متحد یادآور کرد که خشونت علیه زنانی نوعی از تبعیض و ناقض حقوق بشر است. او مسئولیت دولت در قسمت اقدام و عمل با در نظر داشتن اصل احتیاط مقتضی در چارچوب خشونت علیه زنان را مورد تأیید قرار داد. علاوه بر این قطع‌نامه‌های صادرشده توسط شورای حقوق بشر و مجمع عمومی از تمامی دولت‌ها می‌خواهد تا اصل احتیاط مقتضی را در امر پیش‌گیری و تحقیق به-هنگام وقوع خشونت نسبت به زنان و دختران مورد توجه قرار دهند و مرتکبان را تجت پی‌گرد و مجازات قرار دهند (Edwards, 2010: 10-11).

بسیاری از اسناد بین‌المللی حقوق بشری، چه الزام‌آور

تغییر و اصلاح قرار داد و از آن با عنوان تعهد به احترام، رعایت و ایفای جامع و کامل حق زنان در قسمت اصل منع تبعیض و برخوردای و تمتع از برابری نام برد (Ivone and Negri, 2019: 74-77). مسئولیت دولت در چارچوب اصل احتیاط مقتضی در پرتو اعلامیه حذف خشونت علیه زنان ۱۹۹۳ از دولت‌ها می‌خواهد در قسمت پیش‌گیری، تحقیق، بررسی و در چارچوب قوانین ملی با عاملان و مرتکبان خشونت علیه زنان بدون در نظر داشتن اینکه این امر که این اعمال توسط افراد منتسب به دولت و یا افراد خصوصی صورت گرفته است، مجازات کنند (Güneş, 2020: 147-148). اعلامیه پکن و برنامه عمل، فهرستی از گام‌هایی که توسط دولت‌ها در چارچوب اصل احتیاط مقتضی برداشته شود ذکر کرده است که عبارت‌اند از: جرم‌انگاری خشونت، اجرا، گزارش‌دهی به‌موقع و بررسی قوانین به‌منظور تأثیر لازم در قسمت محو خشونت علیه زنان، تأکید بر پیش‌گیری و مجازات عاملان و مرتکبان خشونت علیه زنان و اتخاذ تدابیر لازم به‌دلیل حمایت از زنان خشونت‌دیده، دسترسی مناسب و عادلانه به سازوکارهای جبران‌کننده از جمله جبران خسارت، شناسایی، درمان قربانیان و فرستادن عاملان به مراکز اصلاحی و توان‌بخشی. قطع‌نامه ۱۳۲۵ سال ۲۰۰۰ میلادی شورای امنیت سازمان ملل متحد تأکید بر مسئولیت دولت در قسمت ختم معافیت و مسئول و پاسخ‌گو دانستن افرادی در قبال جنایات جنگی به-خصوص خشونت‌های جنسی و دیگر اشکال خشونت علیه زنان و دختران است.

داشت که خشونت مبتنی بر جنسیت می‌تواند نقض-کننده مواد مشخصی از کنوانسیون قلمداد شود؛ فارغ از این امر که این مواد به‌صراحت به مقوله خشونت اشاره کرده باشند. کمیته بر این نکته تأکید کرد که تبعیض در چارچوب کنوانسیون محو همه اشکال تبعیض علیه زنان ۱۹۷۹ مختص و محدود به اقدامات صورت‌گرفته توسط دولت و یا به نیابت از وی نیست و دولت‌ها در قبال رفتار خصوصی نیز می‌توانند مسئول باشند و آن زمانی است که در چارچوب اصل احتیاط مقتضی در قسمت پیش‌گیری از نقض حق‌های بشری، تحقیق و بررسی، مجازات عاملان و پرداخت خسارت ناتوان باشند. کمیته در توصیه‌نامه عمومی شماره ۱۲ خود از دولت‌ها خواست تا در گزارش‌های دوره‌ای خود اطلاعاتی درباره نحوه تقنین و قانون‌گذاری و دیگر اقدامات اتخاذشده در قسمت حمایت زنان در مقابل خشونت، وجود اقدامات حمایتی و خدماتی برای زنان و نیز آمار و ارقام دقیق درباره وجود تمام اشکال خشونت علیه زنان را ارائه کنند (Vido, 2020: 37-39).

کمیته رفع تبعیض علیه زنان اصل احتیاط مقتضی را مجدد در سال ۲۰۰۷ در هنگام رسیدگی به دو شکایت رسیده در قسمت ادعای مطرح‌شده در ناتوانی دولت در قسمت بررسی و مجازات عاملان خشونت علیه زنان که نقض صریح مواد ۱، ۲، ۳ و ۵ کنوانسیون محو همه اشکال تبعیض علیه زنان ۱۹۷۹ است، مورد تأیید قرار داد. در سال ۲۰۱۰ کمیته رفع تبعیض علیه زنان در چارچوب توصیه‌نامه عمومی شماره ۲۸ خود رهنمود تفسیری مشخصی در مسئولیت دولت ارائه کرد. این رهنمود تفسیری اصل مسئولیت دولت در چارچوب کنوانسیون محو همه اشکال تبعیض علیه زنان ۱۹۷۹ را دست‌خوش

۵-۲. منع یا امحای خشونت علیه زنان تعهد به وسیله یا تعهد به نتیجه

در سال ۱۹۷۹ کنوانسیون محو همه اشکال تبعیض علیه زنان طی قطع‌نامه ۱۸۰/۳۴ مورد تصویب مجمع عمومی سازمان ملل قرار گرفت و لایحه یا سندی بین‌المللی حاوی حقوق زنان نامیده شد. با توجه به اینکه این کنوانسیون از معاهده‌های مهم محسوب می‌شود؛ ولی به‌صراحت موضوع خشونت علیه زنان را بیان نکرده بود و چند سال بعد از آن نهادهای بین‌المللی معترف به رابطه میان خشونت علیه زنان و تبعیض شدند. در میانه دهه ۱۹۸۰، خشونت به‌خصوص خشونت‌های خانگی علیه زنان افزایش یافت و به‌صورت دغدغه‌ای بین‌المللی مطرح شد. بیانیه‌ها و قطع‌نامه‌های زیادی توسط شورای اقتصادی و اجتماعی، مجمع عمومی سازمان ملل متحد و گروه تخصصی مجمع عمومی در زمینه خشونت در خانواده صادر شد. این اسناد توجه را به‌سمت ویژگی و شاخصه این مشکل بین‌المللی معطوف کرد و از دولت‌ها خواست تا اقداماتی عملی را برای رسیدگی به این مقوله در دست گیرند و این امر باعث آن شد تا در این‌باره تحقیقات بیشتری انجام شود (Meyers, 2008: 79-80).

در سال ۱۹۸۹ سازمان ملل متحد گزارش خشونت علیه زنان در خانواده را منتشر کرد و بر این نکته تأکید کرد که خشونت خانگی تصادفی نیست؛ بلکه مرتبط با نبود برابری بین زنان و مردان است و از دولت‌ها خواست تا با یکدیگر به‌صورت گروهی همکاری کنند و در این راستا استراتژی‌های مشخصی برای پیش‌گیری از وقوع خشونت و حمایت از قربانیان طراحی کنند. در سال ۱۹۹۲، یعنی ۱۳ سال پس از تصویب کنوانسیون محو همه اشکال تبعیض علیه

زنان ۱۹۷۹، کمیته رفع تبعیض علیه زنان در توصیه-نامه عمومی شماره ۱۹ خویش، موضوع خشونت علیه زنان را جزئی از بحث‌های مطروحه در چارچوب این کنوانسیون ذکر کرد. این توصیه‌نامه، تعریفی جامع و کامل از خشونت علیه زنان ارائه کرد و اجرای تعهدات مندرج ذیل کنوانسیون نیازمند این امر است تا دولت‌ها در راستای محو خشونت علیه زنان گام‌های مثبتی بردارند (Hellum and Aasen, 2013: 12-14).

همچنین در این سند به استاندارد احتیاط مقتضی برای مشخص کردن این امر که آیا دولت‌ها به اهداف مطرح‌شده در چارچوب این توصیه‌نامه دست یافته‌اند یا نه نیز ذکر شده است. این استاندارد که در حقوق بین‌الملل امری تازه و جدید محسوب می‌شود و بر این نکته تأکید داشت که دولت‌های عضو کنوانسیون محو همه اشکال تبعیض علیه زنان تعهداتی مشخص در راستای اطمینان از امحای خشونت علیه زنان دارند. در سال ۱۹۹۳ دو رویداد مهمی که سبب اعمال بیش از پیش استاندارد احتیاط مقتضی در چارچوب خشونت خانگی شد عبارت‌اند از تصویب اعلامیه حذف خشونت علیه زنان توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد و انتخاب گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در زمینه خشونت علیه زنان بود (Meyers, 2008: 82). اعلامیه حذف خشونت علیه زنان اصول ذکرشده در توصیه‌نامه عمومی شماره ۱۹ کمیته رفع تبعیض علیه زنان را در چارچوب این اعلامیه ادغام کرد و استاندارد احتیاط مقتضی را رسماً در قالب ابزاری برای ارزیابی تعهدات در محو همه اشکال خشونت علیه زنان مورد پذیرش قرار داد. اعلامیه حذف خشونت علیه زنان ۱۹۹۳ ذیل ماده ۴ اعلام کرد که تمام دولت‌های عضو بدون هیچ-

پیشنهادهایی در زمینه مدل و نحوه قانون‌گذاری درباره خشونت خانگی ارائه کرد. وی معترف این امر بود که مدلی واحد که منجر به امحا و ریشه‌کن کردن خشونت علیه زنان در تمام جوامع باشد وجود ندارد؛ ولی او به تعدادی از مؤلفه‌های مهمی که باید توسط دولت‌ها در راستای تلاش برای مبارزه با خشونت مورد پذیرش قرار بگیرند، استناد کرد که عبارت‌اند از: واکنش‌های مؤثر و مفید نهادهای اجرایی و نظارتی، اقدامات رسمی حمایتی از جمله حمایت‌های اجتماعی، محاکمه و مجازات مرتکبان خشونت علیه زنان (Hasselbacher, 2010: 195).

استاندارد احتیاط مقتضی ابزاری است که در دستان صاحبان حق‌ها قرار دارد و باعث آن می‌شود تا دولت‌ها در قبال آنان پاسخ‌گو باشند. این زمانی رخ خواهد داد که چارچوب معینی برای ارزیابی و مشخص کردن اینکه چه اقداماتی در راستای اجرای تعهدات مؤثر و مفید قلمداد می‌شوند تعیین شود و در عین حال، فعل‌ها و ترک‌های دولت نیز باید مورد بررسی قرار گیرند. این چارچوب زمانی از اهمیت ویژه برخوردار خواهد شد که پتانسیل احتمالی برای نقض حقوق بشری افراد نشئت گرفته از ترک فعل‌ها و اقدام نکردن به موقع دولت باشد. این باعث می‌شود که صاحب حق با دشواری مواجه شود و نتواند به درستی ارزیابی کند که دلیل اصلی نقض حقوق آنان ترک فعل باشد و یا نبود هنجارهای حقوقی لازم برای اقدام به موقع (Rashida, 2013: 5).

درباره بازیگران غیر دولتی باید گفت که حقوق بین‌الملل بشر دولت‌ها را موظف به اتخاذ اقداماتی از قبیل قانون‌گذاری، رویه‌های اداری به منظور کنترل، تنظیم، تحقیق و پی‌گیری و محاکمه و مجازات اعمال مرتکب شده توسط بازیگران غیر دولتی می‌کند که

گونه تأخیر و تعللی موظف و متعهد به اتخاذ تمام ابزار و روش‌های مناسب برای اتخاذ سیاست محو خشونت علیه زنان از جمله استاندارد احتیاط مقتضی در قسمت پیش‌گیری، تحقیق و تفحص هستند و در پرتو قانون‌گذاری ملی، جرم‌انگاری و محکومیت مرتکبان اعمال خشونت‌آمیز علیه زنان را بررسی کرده است؛ فارغ از این امر که این اعمال توسط افراد و اشخاص دولتی و یا خصوصی انجام گرفته است (Bahun and Rajan, 2016: 167-168). اعلامیه حذف خشونت علیه زنان تأکید کرد که خشونت علیه زنان نقض حقوق بشر و آزادی‌های اساسی زنان قلمداد می‌شود و باعث ایجاد محدودیت و محرومیت در قسمت تمتع و برخورداری از آن حقوق و آزادی‌ها می‌شود. اعلامیه خشونت علیه زنان نشان‌دهنده اجماع و کنسانسوس مهم درباره نحوه و چگونگی برخورد با خشونت علیه زنان است.

رادیکا کوماراسوامی، گزارشگر ویژه ملل متحد در زمینه خشونت علیه زنان در گزارش ۱۹۹۶، بیان کرد که مدارای دولت با خشونت‌های صورت گرفته بیانگر این امر است که آن‌ها تمایل به کنترل زنان در عرصه زندگی‌های خصوصی دارند و در این باره باید مورد مؤاخذه نیز قرار بگیرند؛ زیرا این می‌تواند به مفهوم و ماهیت اساسی حقوق زنان صدمه وارد کند. وی در عین حال بر این نکته تأکید کرد که نقش دولت و برخورد نکردن دولت با مرتکبان خشونت به همراه ماهیت جنسیتی خشونت‌های خانوادگی در قالب دغدغه‌ای حقوق بشری رده‌بندی و مورد رسیدگی باید قرار گیرد؛ نه به صورت موضوعی مربوط به سیستم عدالت کیفری داخلی. در همین حال کوماراسوامی درباره نحوه ارائه راه‌کارهای قوی، مؤثر و عملی برای دولت‌ها، در گزارش خویش

تعریف کنند چه اقداماتی مناسب قلمداد می‌شوند. (ECHR, 2009: Application No. 33401/02). در همین حال استاندارد احتیاط مقتضی نیز از دولت‌ها می‌خواهد که از تمام ابزارها و اقدامات لازم برای حمایت استفاده کنند؛ بدون اینکه این‌گونه اقدامات را تعریف و توصیف کنند (Hakimi, 2010: 372).

۶. نتیجه‌گیری

بر اساس این پژوهش می‌توان بیان کرد منظور از تعهد به وسیله آن است که متعهد و مکلف با به-کارگیری وسیله و امکانات خاص، متعهد به تدارک محتوای حق برای ذی‌حق خواهد بود. اما در تعهد به نتیجه متعهد مکلف به تدارک حق ذی‌حق است. این تکلیف و تعهد قطعی و منجز است؛ بنابراین معطوف و مقید به وسیله و یا امکانات خاصی نشده است. در این راستا و با توجه به پژوهش، محو خشونت علیه زنان تعهد به وسیله است؛ نه تعهد به نتیجه. در این زمینه، دولت‌ها باید راه‌حل‌ها و اقدامات مناسبی را اتخاذ کنند تا بر وضعیت زنان تأثیرات مفید داشته باشند و خروجی نشان‌دهنده این امر باشد که خشونت و عوامل آن کاهش یافته است. این اقدامات به‌صورت کلی و در موارد خاص باید قدرت بازدارندگی مناسب برای پیش‌گیری از وقوع خشونت علیه زنان را داشته باشند. در همین حال، اصل احتیاط مقتضی خواهان بازدارندگی بی‌عیب و نقص در هر یک از موارد و قضایا نیست؛ بلکه از دولت‌ها می‌خواهد تا به‌گونه‌ای مناسب و قابل قبول از وقوع خشونت پیش-گیری کنند. صرف وجود جبران خسارت‌های رسمی قضایی کافی نیست؛ بلکه باید در عمل مؤثر و قابل دسترسی باشند.

باعث نقض حقوق بشر افراد ساکن تحت قلمرو و حاکمیت دولت زندگی شده است. اعمال بازیگران غیر دولتی نیازمند این امر نیست که به دولت منتسب شود؛ بلکه این جزئی از تعهدات دولت در پرتو اصل احتیاط مقتضی برای حمایت از حقوق تمامی افراد ساکن در قلمرویش است. (McCorquodale and Simons, 2007: 618).

وظیفه پیش‌گیری شامل استفاده از ابزار و وسیله‌هایی است با ماهیت حقوقی، سیاسی، اداری و فرهنگی که هدف آن ترویج حمایت از حقوق بشر و ضمانت این امر است که نقض این حقوق امری مذموم و غیر قانونی است و مسببان آن مورد پی‌گرد و مجازات قرار می‌گیرند و قربانیان نیز مورد شناسایی قرار خواهند گرفت. برای اینکه اقدامات مقتضی مؤثر واقع شوند، چارچوب رسمی و اتخاذشده توسط دولت باید در عمل مؤثر و مفید واقع شود. (IACHR, 2011: case No. 12.626).

یکی از مباحث مطروحه در چارچوب اصل احتیاط مقتضی این است که آیا این تعهد به رفتار (یا وسیله) است یا تعهد به نتیجه (Mazzeschi, 1992: 9). نظر عموم بر این است که این از نوع تعهدات به رفتار یا وسیله است. با وجود این، نبود اقدام و عمل و اتخاذ رفتار مناسب یقیناً منجر به نرسیدن و دست یافتن به نتیجه مطلوب و مورد نظر خواهد بود. در نتیجه، این‌گونه می‌توان استدلال کرد که نوع عمل، رفتار و وسیله است که باعث اهمیت بیش از پیش موضوع می‌شود. معاهداتی که تعهدات به حمایت از حقوق بشر در مقابل نقض و تخطی برای دولت‌ها به‌بار می‌آورد اغلب از دولت‌ها می‌خواهد که اقدامات مناسب در این راستا اتخاذ کنند؛ بدون اینکه صراحتاً

۷. تقدیر و تشکر

ابراز نشده است.

۸. سهم نویسندگان

همه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۹. تضاد منافع

در این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

Northwestern Journal of International Human Rights, Volume 8, Issue 2.

- Hellum, Anne, Aasen, Henriette Sinding (2013), Women's Human Rights: CEDAW in International, Regional and National Law, Cambridge: Cambridge University Press.

- Human Rights Documents – OHCHR-F/CN.4/2006/61

- IACHR, case No. 12.626, Lenahan (Gonzales) v. United States of America, 21 July 2011

- Ivone, Vitulia, Negri, Stefania (2019), Domestic Violence Against Women, Hague: Kluwer.

- Johnson, Holly, Ollus, Natalia, Nevala, Sami (2017), Violence Against Women: An International Perspective, London: Springer.

- Krook, Mona Lena (2020), Violence Against Women in Politics, Oxford: Oxford University Press.

- Malekian, Farhad, Nordlöf, Kerstin (2014). Prohibition of Sexual Exploitation of Children Constituting Obligation. Cambridge: Cambridge University Press.

- Manjoo, Rashida, Jones, Jackie (2018), The Legal Protection of Women from Violence: Normative Gaps in International Law, Hague: Taylor & Francis.

- Marie, Anne (2019), Reporting on violence against women and girls: a handbook for journalists, Hague: UNESCO.

- Mazzeschi, Riccardo Pisillo (1992), "The due diligence rule and the nature of the international responsibility of States", German Yearbook of International Law.

- McCorquodale, Robert, Simons, Penelope, "Responsibility beyond borders; State responsibility for extraterritorial violations by corporations of international human rights law", Modern Law Review, vol. 70, No 4, 2007

- Meyers, feld Bonita (2008), Domestic Violence, Health, and International Law, 22 EMORY INT'L L.REV. 61, 66.

- Rashida, Manjoo (2013), Report of the Special Rapporteur on violence against

منابع

- خدابنده‌لو، فهیمه؛ ناطق نوری، سوده؛ ابراهیمی ترکمان، ابودر، «بررسی اسناد و قواعد نافی خشونت علیه زنان»، تحقیقات جدید در علوم انسانی، دوره جدید، شماره ۱۳، ۱۵۳-۱۶۲، ۱۳۹۷.

- شیخ بهایی جمال‌الدین محمد، بهرامی‌نژاد علی، بهرامی خوشکار محمد، «خشونت خانگی علیه زنان در پرتو نظام حقوق بشر بین‌المللی»، مجله علمی-پژوهشی حقوق پزشکی، ۱۵ (۵۶): ۴۴۵-۴۶۱، ۱۴۰۰.

- قاری سیدفاطمی، سیدمحمد، حقوق بشر در جهان معاصر دفتر یکم، تهران: انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۵

منابع انگلیسی

- Bahun, Sanja, Rajan, V.G. Julie (2016). Violence and Gender in the Globalized World: The Intimate and the Extimate. Hague: Routledge.

- ECHR, Application No. 33401/02, Opuz v. Turkey, judgement of 9 June 2009

- Edwards, Alice (2010). Violence against Women under International Human Rights Law. Cambridge: Cambridge University Press.

- Güneş, Ayşe (2020), International Human Rights Law and Crimes Against Women in Turkey: Legislation on So-called Honour Killings, Hague: Taylor & Francis Group.

- Hakimi, Monica (2010), "State bystander responsibility", European journal of International Law, vol. 21, No., 2.

- Hasselbacher, Lee (2010), State Obligations Regarding Domestic Violence: The European Court of Human Rights, Due Diligence, And International Legal Minimums of Protection, Spring 2010,

women, its causes and consequences, 14 May 2013

- Rehof, Lars Adam (2021), Guide to the Travaux Préparatoires of the United Nations Convention on the elimination of all forms of discrimination against women, Hague: Kluwer.

- Richards, David L, Haglund, Jillienne (2015). Violence Against Women and the Law. Hague: Routledge.

- Vido, Sara De (2020). Violence against women's health in international law. Manchester: Manchester University Press.